

از دارالمعلمین تا دانشگاه فرهنگیان

● سعید وزیری*

مقاله

اشاره

«قانون معارف» در سال ۱۲۹۰ خورشیدی زمینه‌ای برای توسعه آموزش در همه ابعاد در کشور فراهم آورد و در پی آن، توسعه مدارس نیاز به معلمان آموزش دیده و حرفه‌ای را مطرح ساخت. به همین دلیل در سال ۱۲۹۷، اولین «مدرسه دارالمعلمین» در تهران تأسیس شد و شروع به کار کرد. بررسی نحوه تأسیس این مدرسه و سیر تحولات آن از جمله مباحثی است که می‌تواند چراغ راهی برای همه فرهنگیان و مدیران باشد. امسال یکصدمین سال تأسیس دارالمعلمین (تربیت معلم) است و بدین لحاظ، مقاله حاضر به سفارش مجله تألیف و ارائه شده است.

مقدمه

در سال ۱۲۳۶ خورشیدی، شاهزاده **اعتضادالسلطنه** که رئیس مدرسه دارالفنون بود، از سوی ناصرالدین‌شاه لقب وزیر علوم را دریافت کرد. این در حالی بود که در سراسر ایران فقط مدرسه دارالفنون بود که از آذرماه ۱۲۲۱ خورشیدی تا آن تاریخ فعال بود. از سال ۱۲۳۶ خورشیدی تا سال ۱۲۷۵ که **نیرالملک** وزیر علوم شد، هیچ مدرسه‌ای جز دارالفنون عهده‌دار آموزش و تربیت نبود. نیرالملک که پیش از رسیدن به وزارت، به مدت چهار سال از مدیران موفق دارالفنون بود، از آن فرهیختگانی بود که به دانش و تعلیم و تربیت عشق می‌ورزید؛ چنانکه می‌توان دوره هشت‌ساله وزارت او را دوره جنبش اندیشه‌های آزادی‌خواهانه و تأسیس مدارس جدید دانست. باید دانست که از تأسیس دارالفنون (۱۲۳۱) تا مرگ ناصرالدین‌شاه، در سراسر کشور ایران حتی یک مدرسه ابتدایی ایجاد نشد، چنانکه **محمدحسن رشدی** که به‌حق باید او را پدر مدارس ابتدایی دانست، نتوانست مدارس خود را سروسامان دهد. رشدی زاده تبریز و در لباس

* نویسنده و پژوهشگر حوزه تاریخ آموزش و پرورش

روحانیت بود. تحت تأثیر روزنامه‌های اختر و ثریا به بیروت رفت و وارد دارالمعلمین شد و دو سال به تحصیل اصول تعلیم و تربیت پرداخت و چون خود را در این اصول صاحب نظر یافت، در اندیشه تأسیس مدرسه افتاد (ص ۳۲، سوانح عمر).

اگرچه رشديه تا زمانی که ناصرالدین شاه زنده بود نتوانست به آرزوی خود برسد، اما سرانجام در سال ۱۲۷۵ خورشیدی توانست با یاری نیرالملک، وزیر علوم، نخستین مدرسه ابتدایی را تأسیس کند. پنج سال پس از آن، خانم **مهرداد رخشان**، دختر **امام‌الحکما**، نخستین مدرسه دختران را با نام «المدارس» در تهران تأسیس کرد. از این زمان به بعد، نهضت مدرسه‌سازی ادامه یافت. وزیرانی مانند نیرالملک، **مستوفی و صنیع‌الدوله** به ایجاد مدارس جدید ادامه دادند، چنانکه در سال ۱۲۹۱ در سراسر ایران ۴۴ دانش‌آموز پسر و ۳ دانش‌آموز دختر موفق به دریافت گواهی‌نامه پایان تحصیلات شش ساله ابتدایی شدند.

زمانی که **ابراهیم حکیمی** وزیر علوم شد، در زمینه تعلیم و تربیت گام‌های مثبتی برداشته شد. حکیمی را وراثت، باید آغازگر دوره قانونمند شدن مدارس خصوصی دانست. به موجب قانون اساسی معارف، مصوب ۱۳۲۹ قمری برابر با ۱۲۹۰ خورشیدی، مدارس خصوصی تحت نظر اولیای دولت در آمدند. به موجب این قانون، کسانی که می‌خواستند مدرسه باز کنند، باید از وزارت معارف اجازه دریافت می‌کردند و از نظر سن، معلومات و اخلاق واجد شرایط معینی می‌بودند. دوم اینکه معلمان آن مدارس باید اوصافی می‌داشتند. سوم اینکه مدرسه باید بر اصولی بنا می‌شد که معین شده بود. چهارم اینکه باید صلاحیت مؤسس را شورای عالی معارف تصدیق می‌کرد.

همچنین، پس از افتتاح مدرسه، مدیر باید عین برنامه درسی را که معارف تعیین کرده بود در مدرسه اجرا می‌کرد و بازرسان دولتی (مفتش) می‌توانستند هر زمان که اراده کردند، داخل مدرسه شوند و تحقیق کنند.

قانون اساسی معارف در زمان وزارت حکیمی و در نهم آبان ماه ۱۲۹۰ خورشیدی به تصویب رسید. این قانون در ۲۸ ماده تنظیم شد و به تصویب رسید و آن را می‌توان پایه آموزش و پرورش جدید دانست.

ماده ۱۵ قانون اساسی معارف تصریح می‌دارد:

هر کس مکلف است اطفال خود را از سن هفت‌سالگی به تحصیل معلومات ابتدایی وادارد، اعم از اینکه در خانه باشد یا در مدرسه.

علاقه حکیمی به فرهنگ و تربیت معلمان آگاه او را برآن داشت که در سال ۱۲۹۰ قانونی از مجلس بگذراند که در آن سال ۳۰ نفر و برای سال‌های بعد ۲۰ تن از جوانان با استعداد، برای تحصیلات عالی، با هزینه دولت، به خارج فرستاده شوند و چون به موضوع تعلیم و تربیت اهمیت می‌دادند، بنا شد هر سال ۱۵ نفر در رشته تعلیم و تربیت به تحصیل بپردازند و پس گذراندن دوره و بازگشت به ایران، به معلمی اشتغال ورزند. نتیجه این

اقدام مفید بود، زیرا اولین گروهی که به خارج اعزام شدند، در دانش‌سراهای پاریس در رشته‌ی تعلیم و تربیت درس خواندند و پس از چهار سال به ایران آمدند و در مدرسه‌ی دارالفنون و علوم سیاسی به تدریس مشغول شدند (وزیری، ۱۳۹۱: ۱۱۰).

حکیمی اصرار داشت با ایجاد و تأسیس دارالمعلمین به رونق معارف کمک کند و بسیار هم کوشید. هیئت‌وزیران نیز با پیشنهاد او موافقت کردند و حتی نظام‌نامه‌ی آن هم نوشته شد، اما با سقوط کابینه‌ی **علاءالسلطنه**، این کار انجام نشد. در زمان وزارت **میرزا احمدخان نصیرالدوله** (بدر) این آرزوی حکیمی برآورده شد (وزیری، ۱۳۷۵: ۱۱۳).

نصیرالدوله (بدر) از تیرماه ۱۲۹۷ تا ۴ تیرماه ۱۲۹۹ وزیر معارف بود. در دوره‌ی دو ساله‌ی وزارت بدر دارالمعلمین پسران و دارالمعلمات دختران تأسیس شد. این آرزوی حکیمی بود، اما بدر بود که آن را برآورد.

دارالمعلمین مرکزی

در پایان سال ۱۲۹۷ خورشیدی، مدرسه‌ای به ریاست **میرزا ابوالحسن فروغی** در تهران ایجاد شد که شامل هر دو قسمت متوسطه بود. در اصل تأسیس این مدرسه هم مانند مدارس دیگری چون علمیه‌ی شرف و تربیت، در پی تشویق **میرزا احمدخان بدر** صورت گرفت. این مدرسه دارالمعلمین مرکزی خوانده شد.

فروغی عده‌ای از استادان وقت را برای تدریس در آن دعوت کرد. مدرسه ابتدا در خیابان شاه‌آباد بود و تنها دو کلاس داشت. یکی کلاس عالی که در واقع کلاس چهارم متوسطه و اول عالی بود و دیگری کلاس ابتدایی که در واقع سال اول متوسطه بود. بعدها دارالمعلمین به اراضی تخت زمرد در محل سابق مدرسه‌ی معرفت منتقل شد که بعد از آن هم ۱۵ بهمن خوانده شد. چنانکه ذکر شد، این مدرسه متوسطه بود، منتها چون شاگردان آن می‌بایست وظیفه‌ی تعلیم را بر عهده می‌گرفتند و به دبیرستان‌ها برای تدریس می‌رفتند، در آن دروس تعلیم و تربیت، روش تدریس و امثال آن‌ها گفته می‌شد.

فراگرفتن زبان‌های فرانسه و انگلیسی برای تمام محصلان این مدرسه اجباری بود. ادبیات، زبان عربی، منطق و فقه، و شرعیات هم در برنامه قرار داشت.

سالی چند مرتبه نیز وزیر معارف از مدرسه دیدن می‌کرد و در کلاس‌ها دانش‌آموزان را می‌آزمود. شرط متحدالشکل بودن لباس در کلاس نیز در آن وجود داشت (ص ۳۵).

میرزا ابوالحسن فروغی به مدت دو سال رئیس دارالمعلمین بود و نظامت آن را نیز **اسماعیل مرآت^۱** بر عهده داشت.

این مدرسه یک دبستان ضمیمه هم داشت که برای کارآموزی معلمان بود. معلمانی که در اینجا تدریس می‌کردند، از مفاخر علمی و ادبی کشورند، مانند: **ابوالحسن فروغی**، **دکتر عباس اقبال آشتیانی**، **دکتر بهرامی**، **حبیب‌الله ذوالفنون**، **غلامحسین رهنما**، **محمد وحید فاضل تونی**، **عبدالعظیم قریب**، **مرتضی نجم‌آبادی**، **مهندس عبدالرزاق**

بغایری، دکتر اسماعیل مرآت، دکتر منار فرانسوی، شیخ محمدحسین استرآبادی، دکتر عیسی صدیق، دکتر رضازاده شفق، دکتر بدیع الزمان فروزانفر، عبدالله انتظام، حسن فروزان (محبوبی اردکانی، جلد ۱: ۶۹۶).

دارالمعلمات

نصیر الدوله بدر برای تربیت و پرورش معلم زن به فکر تأسیس دارالمعلمات افتاد. وی برای اجرای این منظور، اساس تأسیس دارالمعلمات را بر تشکیلات مدرسه «فرانکو پرسیان» دختران بنا نهاد. مدرسه فرانکو پرسیان در اصل در سال ۱۲۸۵ دایر شده بود. وزیر معارف این مدرسه را به دارالمعلمات تبدیل کرد و دستور داد دو نفر از شاگردان هفته‌ای سه روز برای فراگیری دروس مربوط به بیماری‌های زنان و فن قابلگی به بیمارستان نسوان بروند. دوره دارالمعلمات چهار سال بود. در سه سال اول درس‌های متوسطه را می‌خواندند و در سال چهارم، علاوه بر اینکه اصول تعلیم و تربیت را می‌آموختند، به‌منظور تسلط بر فن تدریس، در کلاس‌های ابتدایی دارالمعلمات درس می‌دادند.

جشن پایان سال کلاس‌های قسمت اول دارالمعلمات در مدرسه فرانکو پرسیان برگزار شد و از طرف وزیر معارف دو جلد کلام‌الله مجید به بدرالملوک بامداد، شاگرد اول کلاس سوم و حرمت سپانلو، شاگرد اول پایه اول هدیه شد.

در سال ۱۳۰۰ خورشیدی دارالمعلمات از مدرسه فرانکو پرسیان جدا شد و خانم فصیح الملوک مهام که از فارغ‌التحصیلان دارالمعلمات بود، عهده‌دار مدیریت آن شد.

در سال ۱۳۰۲ که دکتر صدیق رئیس تعلیمات شورا شد، بانویی فرانسوی به نام هلن هسیس را برای اداره امور دارالمعلمات دعوت کرد. او تغییراتی در روش آموزش و پرورش داد. این بانو تا سال ۱۳۱۱ مدیر دارالمعلمات بود. در سال ۱۳۱۱ خانم هاجر تربیت رئیس دارالمعلمات شد. وی طرح روپوش (یونی‌فرم) مدرسه را که در تبریز با موافقت روبه‌رو شده بود، برای داخل مدرسه در تهران پیاده کرد و در اسفندماه سال ۱۳۱۳ کادر آموزشی مدرسه با لباس‌های متحدالشکل و مرتب در مدرسه و اجتماع ظاهر شدند. در سال ۱۳۱۴ دارالمعلمات نیز تغییر نام داده شد: دانش‌سرای دختران^۲.

دانش‌سرای مقدماتی پسران

در زمان تدین، زمینی به مساحت ۲۴۰۰۰ مترمربع برای دانش‌سرای مقدماتی پسران اختصاص داده شد. اما ساختمان این زمین بیرون دروازه دولت بود. این بنا ساخته شد و تا سال‌های سال بعد به‌صورت دانش‌سرای شبانه‌روزی فعالیت داشت. این بنا در کنار خیابان روزولت بود و از سویی به خیابان خاقانی راه داشت. هم‌اکنون دانش‌سرای عالی است و نام خیابان شهید مفتاح است.

تأسیس و ایجاد دانش‌سرای عالی

به نوشته سید مهدی فرخ معتمد السلطنه، از کارهای با ارزش اعتمادالدوله، ایجاد دانش‌سرای عالی بود. فرخ در این باره چنین می‌گوید:

باز هم خدایش بیامزد مرحوم اعتمادالدوله را که در ایجاد دارالمعلمین عالی زحمات فراوان کشید. من وقتی به وزارت معارف رفتم، تقریباً مقدمات این کار تمام شده بود و بعدها شروع کردم به اجاره خانه‌هایی برای دانش‌سرای عالی. در نتیجه خانه‌های **قوام‌الدوله** که در میدان حسن‌آباد واقع بود، برای این کار در نظر گرفته شد. پس از مدتی، دانش‌سرای عالی (دارالمعلمین عالی) عملاً شروع به کار کرد (فرخ، ۱۳۴۷: ۲۵۱).

استادهای دارالمعلمین عالی بدون استثنا از مفاخر فرهنگی این کشور بوده‌اند؛ چنانکه استاد عربی سید محمود صموتی و استاد فلسفه و الهیات مرحوم سید کاظم عصار بودند. من در اینجا درباره صموتی، از قول باستانی پاریزی، مطلبی را نقل می‌کنم:

«مرحوم صموتی استاد دارالمعلمین عالی بود و من عکس او را در نمایشگاه آثار مرحوم اقبال آشتیانی، در کتابخانه مرکزی، دیدم. این قصه را از قول دکتر گنجی، شاگرد خود ایشان، نقل می‌کنم:

گویا مرحوم صموتی آخر سال به همه شاگردان، چه ضعیف و چه قوی، نمره ۱۷ می‌داد که هیچ‌کس گله نکند. وقتی دکتر خیام‌پور، استاد ممتاز فعلی دانشگاه تبریز، که از اعظم فضایل عربی‌دان معاصر است^۲، در آخر سال از او نمره ۱۷ گرفته بود و بچه‌های دیگر هم ۱۷ داشتند، به استاد مراجعه کرده و گفته بود «جناب استاد، البته من حق اعتراض ندارم، ولی انصاف نیست برای من که جواب را کاملاً به عربی نوشته‌ام و شاهد از الفیه (ابن مالک) آورده‌ام هفده بدهید و به فلان کس که همه جواب‌هایش غلط است هم هفده! مرحوم صموتی گفته بود، ای فرزند، بدان که میان این هفده و آن هفده تفاوت از زمین تا آسمان است (صموتی، ۱۳۸۳).

در اینجا بر خود لازم می‌دانم درباره سید کاظم عصار هم که حکیمی متأله و در لباس روحانیت بود، مطلبی گفته شود. به نوشته خاطرات فرخ: «وقتی دانش‌سرای عالی شروع به کار کرد، من احساس کردم که این مؤسسه خوب از وجود عزیز و گران‌قدر ایشان بی‌بهره است و این عزیز کسی جز حضرت آقای سید کاظم عصار نبود. این دانشمند بزرگوار در آن روزگار از لحاظ علم و وسعت معلومات نظیر نداشت و من همه فکرم این بود که از این مرد در دانش‌سرای عالی استفاده کنم. ولی مسئله یک چیز دیگر بود. ایشان معمم و ملبس به لباس روحانیت بود و قانونی از مجلس گذشته بود که کسی حق ندارد با عبا و عمامه

در سر کلاس حاضر شود و این مشکل بزرگی شده بود. زیرا آقای سید کاظم عصار کسی نبود که تغییر لباس بدهد. از طرفی، دور نگه داشتن او از حوزه درس دانش‌سرای عالی واقعاً خیانتی بود به ساحت علم و دانشجویان. (ص ۲۵۵).

فرخ در نهایت موفق می‌شود رضایت رضاخان را جلب کند؛ به گفته فرخ: من با عجله از نزد شاه مرخص شدم و به اتفاق آقایان **ولی‌الله خان نصر**، مدیرکل وزارت معارف و **میرزا هادی خان هائری**، بازرس عالی وزارت معارف، به خدمت آقای عصار رسیدیم و ایشان را محترمانه به دانش‌سرای عالی بردیم (ص ۲۵۵).

در زمان وزارت **علی‌اصغر حکمت**، آیین‌نامه اجرای قانون تربیت معلم به تصویب می‌رسد. در ۱۷ مرداد ۱۳۱۳ این در حالی است که هم دانش‌سراهای پسران و دختران در تهران و بعضی از شهرها فعالیت دارند و هم دانش‌سرای عالی در تهران به تعلیم و تربیت دبیر مشغول هستند. این آیین‌نامه در ۲۰ ماده به تصویب می‌رسد، که ۱۰ ماده مهم آن در اینجا ذکر می‌گردد:

● **ماده اول:** ۲۵ باب دانش‌سرای پسران و دختران بر طبق ماده اول قانون

تربیت معلم در عرض پنج سال در شهرهای ۱. تهران، ۲. تبریز، ۳. اصفهان، ۴. شیراز، ۵. کرمان، ۶. مشهد، ۷. رشت، ۸. بیرجند، ۹. رضابند، ۱۰. بروجرد، ۱۱. کرمانشاه، ۱۲. اهواز و ۱۳. یزد تأسیس خواهد شد.

● **ماده دوم:** برای تکمیل دانش‌سرای عالی پسرانه در سال ۱۳۱۳ باید:

اولاً مدرسه مزبور از دانشکده‌های علوم و ادبیات مجزا و مستقل و دارای پروگرام (برنامه) مخصوص شوند؛

ثانیاً وسایل تدریس علوم عالی تربیتی از قبیل استخدام متخصصان عالی‌مقام و تأسیس لابراتوارهای علم‌النفوس و تربیت در آن مدرسه فراهم شود،

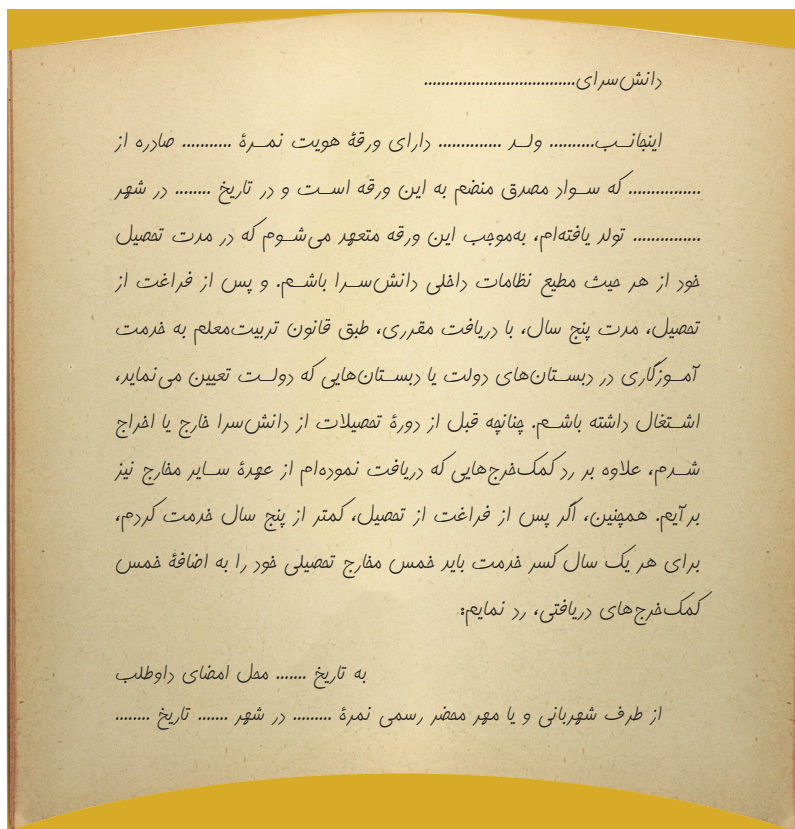
ثالثاً یکی از دانش‌سراهای مقدماتی یا دبیرستان‌های تهران به دانش‌سرای عالی منضم گردد.

● **ماده سوم:** شرایط ورود به دانش‌سرای مقدماتی، دارا بودن تصدیق‌نامه رسمی

سه ساله اول متوسطه (سیکل اول) و تصدیق صحت مزاج از کمیسیون مرکب از سه طبیب به انتخاب وزارت معارف، و تصدیق حسن اخلاق و دارا بودن سنی است که وزارت تعیین می‌نماید و پسران تعهدنامه لازم دارند. در صورتی که عده داوطلبان حائز شرایط بیش از حد لازم باشد، عده لازم از بین آنها یا به طریق مسابقه انتخاب خواهند شد یا به وسیله مراجعه به معدل نمراتی که در امتحانات دوره متوسطه داشته‌اند.

- **ماده چهارم:** در دانش‌سرای شبانه‌روزی، مخارج شاگردان، اعم از شام، ناهار، روشنایی و سوخت و لباس‌شویی و غیره، بر عهده دولت خواهد بود، مگر مخارج لباس که بر عهده خود شاگردان است.
- **ماده پنجم:** در دانش‌سرای شبانه‌روزی، محصلان باید بدون استثنا تمام اوقات را در مدرسه زندگی کنند و غیبت آن‌ها تابع قوانین و مقررات داخلی خواهد بود.
- **ماده هفتم:** در این ماده آیین‌نامه که ویژه دانش‌سرای عالی است، تصریح شده است: به شاگردان دانش‌سرای عالی پسران، تا زمانی که این مدرسه شبانه‌روزی نشده است، کمک‌خرجی مطابق مقررات قانون مصوب ۲۱ آذرماه ۱۳۰۸ شمسی پرداخت خواهد شد.
- **ماده هشتم:** مشمولان تبصره ماده چهارم قانون تربیت‌معلم برای ورود به خدمت باید حائز شرایط مندرج در فقره‌های ۱، ۲ و ۴ ماده دوم قانون استخدام کشوری باشند و ارزش دیپلم آنان را شورای عالی معارف تصدیق کرده باشد.
- **ماده نهم:** امتحانات علمی و عملی ذکور در تبصره ۲ ماده ۵ قانون تربیت‌معلم در حدود نظام‌نامه مخصوصی خواهد بود که به تصویب شورای عالی معارف رسیده باشد.
- **ماده دهم:** کسانی که تصدیق فارغ‌التحصیلی از دانش‌سراها را دارند، چنانچه برخلاف تعهدنامه مذکور در ماده ۷ قانون مرتکب عملی شوند و همچنین محصلانی که قبل از ختم دوره تحصیلات از دانش‌سرا خارج شوند، باید علاوه بر رد کلیه کمک‌خرج‌هایی که دریافت نموده‌اند، از عهده مخارجی که میزان آن برای هر سال تحصیلی معادل نسبت مخارج آن سال از دانش‌سرا به عهده محصلان آن است، بر آیند. کسانی که پس از فراغت از تحصیل کمتر از پنج سال خدمت کنند، برای هر سال کسر خدمت باید خمس مخارج تحصیلی خود را که به ترتیب فوق تعیین می‌شود، به‌اضافه خمس کمک‌خرج‌های دریافتی، رد نمایند؛ مگر اینکه دولت آن‌ها را از خدمت فعلی معاف کرده باشد.

نمونه تعهدات قانون تربیت معلم بر طبق ماده ۷:



در ۵ آبان ماه سال ۱۳۱۷ قانون تعیین پایه استخدامی فارغ‌التحصیلان دانش سرای مقدماتی عالی تصویب شد. در ماده واحده آمده است:

وزارت فرهنگ^۴ مجاز است با رعایت شرایط مقرر در فقره‌های ۳، ۱ و ۴ ماده دوم قانون استخدام کشوری، و ماده هفتم و یازدهم قانون تأسیس دانش سراها، به فارغ‌التحصیلان دانش سرای مقدماتی، پایه دو آموزگاری و به فارغ‌التحصیلان دانش سرای عالی و مشمولان تبصره ماده چهارم قانون تربیت معلم، پایه دبیری اعطا کند.

- در مستخرج قانون متمم بودجه سال ۱۳۱۳ کشور، ماده واحده‌ای است، این گونه که: وزارت معارف مجاز است لیسانسیه‌های دانش سرای عالی و مشمولان ماده ۱۲ قانون تربیت معلم مصوب ۱۹ اسفند ۱۳۱۳ را با همان حقوقی که در سند ۱۳۱۲ دریافت می‌داشته‌اند، به خدمت، معلمی یا مدیر یا ناظمی یا مفتشی^۵ مدارس بگمارد و به لیسانسیه‌های دانش سرای عالی و به لیسانسه‌های دانش سرای عالی که از سال ۱۳۱۳ به

بعد وارد خدمت می‌شوند، اضافه بر حقوق رتبه آن‌ها، به‌عنوان حق‌التدریس یا حق‌التعلیم وجهی پرداخت نخواهد شد. فقط در صورتی که به نقاط بد آب‌وهوا اعزام شوند، بر طبق قانون، فوق‌العاده بدی آب‌وهوا ممکن است به آن‌ها پرداخت.

مستخرج از قانون متمم سال ۱۳۱۴ کشور

ماده واحده: حداقل حقوق ماهیانه دبیران هنر آموزان ۶۸۰ ریال و دانشیاران یک هزار ریال (صد تومن).

در سال ۱۳۱۷ اساس‌نامه دانش‌سرای عالی تصویب شد:

- **ماده ۱.** دوره تحصیل در دانش‌سرای عالی سه سال است.
- **ماده ۲.** شرط ورود به دانش‌سرای عالی داشتن گواهی‌نامه دوره کامل متوسطه یا درجه لیسانس از دانشکده‌های دیگر است.
- تبصره ۱: فارغ‌التحصیلان دانش‌سرای مقدماتی و دبیرستان پنج سال دختران (دیپلم عالی)، می‌توانند پس از طی کلاس مخصوص ادبی یا علمی و توفیق در امتحان، به سال اول یکی از رشته‌های دانش‌سرا وارد شوند.
- **ماده ۳.** دانش‌نامه پایان تحصیلات دانش‌سرای عالی معادل با لیسانس و به‌علاوه مزایای اختصاصی خواهد بود.

● **ماده ۴.** دانش‌سرای عالی نه رشته دارد و نه برنامه:

در سال ۱۳۱۷ این رشته‌ها در دانش‌سرای عالی تدریس می‌شدند:

الف) ۱. زبان و ادبیات فارسی: دروس این رشته عبارت‌اند از:

- | | |
|-------------------------------------|--------------------------------|
| ۱. زبان فارسی؛ | ۲. تاریخ ادبیات فارسی؛ |
| ۳. زبان خارجه؛ | ۴. زبان عربی؛ |
| ۵. تاریخ تمدن ایران و عمومی؛ | ۶. کلیات و تاریخ فلسفه و منطق؛ |
| ۷. روان‌شناسی و آمار از لحاظ تربیت؛ | ۸. اصول تعلیم و تربیت؛ |
| ۹. فلسفه یا تاریخ تربیت؛ | ۱۰. ورزش دبیری. |

ب) زبان خارجه:

- | | |
|-----------------------|---------------------------------|
| ۱. زبان فارسی؛ | ۲. زبان خارجه اول؛ |
| ۳. ادبیات زبان اول؛ | ۴. زبان خارجه دوم؛ |
| ۵. سنجش ادبیات خارجه؛ | ۶. علوم تربیتی مانند رشته زبان؛ |
| ۷. ادبیات فارسی. | |

ج) فلسفه و علوم تربیت:

۱. زبان فارسی؛
۲. زبان خارجه؛
۳. منطق و فلسفه؛
۴. روانشناسی عمومی؛
۵. فلسفه جدید؛
۶. مبانی تعلیمات متوسطه؛
۷. اصول پردازش آموزگار؛
۸. روان‌شناسی از نظر تربیت و آمار؛
۹. اصول تعلیم و تربیت؛
۱۰. فلسفه تربیت؛
۱۱. علم اجتماع از لحاظ تربیت؛
۱۲. تاریخ تربیت؛
۱۳. ورزش دبیری.

د) تاریخ و جغرافیا:

۱. زبان خارجه؛
۲. باستان‌شناسی؛
۳. نقاشی؛
۴. تاریخ هنرهای زیبا؛
۵. تاریخ ایران؛
۶. زبان‌های ایران پیش از اسلام؛
۷. تاریخ تمدن ایران و عمومی؛
۸. تاریخ عمومی؛
۹. علوم تربیتی.

ه) باستان‌شناسی:

۱. زبان خارجه؛
۲. زبان فارسی؛
۳. تاریخ ایران؛
۴. تاریخ عمومی؛
۵. عربی؛
۶. تاریخ تمدن ایران و عمومی؛
۷. جغرافیای عمومی و انسانی؛
۸. علوم تربیتی.

و) علوم ریاضی:

۱. زبان خارجه؛
۲. ریاضیات تحلیلی هندسه تحلیلی و جبر؛
۳. رسم فنی؛
۴. هندسه ترسیمی؛
۵. مکانیک؛
۶. عملیات حساب و هندسه؛
۷. متمع هندسه؛
۸. حساب فاضل و جامع؛
۹. هیئت و نجوم؛
۱۰. علوم تربیتی.

دختران و دانش‌سرای عالی

تا سال ۱۳۱۴ دختران نمی‌توانستند در دانش‌سرای عالی ادامه تحصیل دهند، تا اینکه در سی‌ام دی‌ماه ۱۳۱۴ و مردادماه ۱۳۱۵، شورای عالی معارف به تصویب رساند که: خانم‌هایی که دارای گواهی‌نامهٔ دوم متوسطهٔ نسوان باشند و مایل به ورود به دانش‌سرای عالی باشند، باید مدت یک سال در کلاس علمی یا ادبی به تحصیل بپردازند و چنانچه در امتحان توفیق پیدا کردند، به دانش‌سرای عالی وارد شوند. و از حیث پسران، تعهدنامه و تأدیة شهریه و امتحانات تابع مقرراتی خواهند بود که نسبت به پسران معمول است.

بعلاوه، به‌موجب مادهٔ مصوب در سیصد و سومین جلسهٔ شورای عالی معارف (سه‌شنبه ۲۷ مرداد ۱۳۵۰)، اولاً خانم‌هایی که در کلاس مخصوص به تحصیل اشتغال دارند، در صورتی که داوطلب شغل معلمی باشند و برای این منظور تعهدنامهٔ کتبی بپسارند، از پرداخت شهریه معافاند و ثانیاً، محصلانی که داوطلب شغل معلمی نباشند و تعهد نمایند، بایستی مطابق نظام‌نامهٔ شهریهٔ مدارس، ماهیانه مبلغی (۲۰ ریال) بپردازند.

موادی که در کلاس مخصوص علمی تدریس می‌شوند عبارت‌اند از: ریاضی، فیزیک، شیمی، علوم طبیعی و زبان خارجه. در کلاس مخصوص ادبی، فارسی، عربی، زبان خارجه و فلسفهٔ تاریخ ایران آموخته می‌شوند. امتحانات کلاس‌های مخصوص بر طبق نظام‌نامه و مقررات امتحانات دانش‌سرای عالی صورت می‌گیرد. (وزیری، ۱۳۹۳: ۳۲۷).

در سال ۱۳۱۴ فقط ۱۹ نفر داوطلب تحصیل در دانش‌سرای عالی بودند که از این تعداد فقط ۱۲ نفر از عهدهٔ امتحان برآمدند. اینان در سال ۱۳۱۷ موفق به دریافت مدرک لیسانس شدند.

در دورهٔ وزارت دکتر عیسی صدیق، دانش‌سرای عالی شبانه‌روزی شد. دکتر عیسی صدیق که خود در سال ۱۲۹۰ برای تحصیل به اروپا رفته بود، موفق به دریافت گواهی‌نامهٔ عالی آموزگاری شده بود.

پس از آنکه موفق به دریافت دکترای فلسفه شد، به ایران آمد و اولین سمت وی ریاست دانش‌سرای عالی بود. بنابراین، او که هم به اهمیت شغل معلمی واقف بود و هم به تعالی فکری و علمی معلمان می‌اندیشید، نخست دانش‌سرای عالی را شبانه‌روزی کرد و کوشید بهترین و عالم‌ترین معلمان را برای تدریس برگزیند. از کارهای دیگر وی، گسترش دانش‌سرای مقدماتی پسران و دختران در سراسر کشور بود.

در سال ۱۳۲۰ که برای مدتی محدود دکتر حسابی وزیر فرهنگ شد، مدارس عشایر شروع به کار کرد. این آغازی بود برای ایجاد دانش‌سرای عشایری کشور که بررسی و نقش این مدارس به جستاری جداگانه نیاز دارد.

در سال ۱۳۴۱ دکتر پرویز خانلری وزیر فرهنگ شد. موضوع تشکیل سپاه‌دانش که در فرماندوم لوایح شش‌گانه در تاریخ ۱۳۴۱/۱۱/۱۶ بنا شد، از پیشنهادهای وی بود.

آموزشگاه کمک آموزگاری

تا پیش از سال تحصیلی ۱۳۲۷-۱۳۲۶ در باغ خواص ورامین آموزشگاهی دایر بود که دارندگان ششم ابتدایی پس از یک دوره یک‌ساله و آشنایی با فن آموزگاری، با رتبه ۱ کمک آموزگاری، به استخدام وزارت فرهنگ درمی‌آمدند. این معلمان در کلاس‌های اول تا چهارم ابتدایی در روستاها به تدریس می‌پرداختند، اما امکان پیشرفت برایشان فراهم بود. در سال ۱۳۲۷-۱۳۲۶ آموزشگاه کمک آموزگاری آغاز به کار کرد.

دانش‌سرای کشاورزی

از سال ۱۳۳۰ دانش‌سرای کشاورزی شروع به کار کرد. داوطلبان تحصیل در دانش‌سرای کشاورزی، با مدرک سوم متوسطه (سیکل اول) به دانش‌سرا وارد می‌شدند و پس از دو سال، با مدرک دیپلم دانش‌سرای کشاورزی، معادل دیپلم علمی دبیرستان، به‌عنوان آموزگار مدرسه‌های کشاورزی، استخدام می‌شدند. دانش‌سرای کشاورزی شبانه‌روزی بود.

دانشگاه سپاهیان دانش

سپاهیان دانش که مایل به خدمت در وزارت فرهنگ بودند، با پایه ۲ آموزگاری (ماهانه ۵۶۰۰) ریال آموزگار می‌شدند. سپاهیان دوره اول سپاه دانش در آبان ماه ۱۳۲۳ به‌صورت رسمی تحت نظر وزارت فرهنگ درآمد و پس از مدتی دانش‌سرای مقدماتی کشاورزی به دانشگاه سپاهیان دانش تبدیل شد. نخستین کسی که ریاست این دانشگاه را به عهده گرفت، دکتر بیرجندی بود.

دانش‌سرای راهنمایی تحصیلی

در سال ۱۳۴۳ وزارت فرهنگ به دو وزارتخانه تبدیل شد:

۱. وزارت فرهنگ و هنر؛

۲. آموزش و پرورش.

در سال ۱۳۴۶ وزارت آموزش و پرورش به دو وزارتخانه تبدیل شد؛

۱. وزارت علوم عالی؛

۲. وزارت آموزش و پرورش.

در سال ۱۳۴۹ که دوران تحصیل به سه دوره پنج ساله ابتدایی، سه ساله راهنمایی و چهار ساله دبیرستان تقسیم شد، برای تربیت معلمانی که در دوره راهنمایی تدریس کنند، دانش‌سرای راهنمایی تحصیلی شروع به کار کرد.

در شهر ری، دانش‌سرای راهنمایی تحصیلی کارش را آغاز کرد. مدت تحصیل در این دانش‌سرا دو سال بود. ناگفته نماند که در این دانش‌سرا، پسران و دختران باهم درس می‌خواندند، مانند دانشگاه یا دانش‌سرای عالی؛ اما برای تأمین دبیر مدرسه‌های راهنمایی در تهران و استان‌ها، از وجود معلمان با تجربه استفاده می‌شد؛ بدین گونه که دورهٔ دوسالهٔ دانش‌سرا را در شبانه بگذرانند. آنان با گذراندن یک دورهٔ ۴۸۰ ساعته می‌توانستند به مدرسهٔ راهنمایی بروند. اما تا دریافت مدرک فوق‌دیپلم باید در کلاس‌های شبانه شرکت می‌کردند.

دانش‌سرای راهنمایی پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز به کار خود ادامه داد، با این تفاوت که دانش‌سرای دختران و پسران از هم جدا شدند.

گسترش دانش‌سرای پسران و دختران

در ورامین، دانش‌سرای پسران که قبل از انقلاب اسلامی فعال بود، همچنان به کار خود ادامه می‌داد. کم‌کم این دانش‌سرا نیز به دانش‌سرای راهنمایی تبدیل شد. در قلعهٔ نواملاک ورامین نیز دانش‌سرای مقدماتی فعالیت داشت. پس از انقلاب اسلامی، تربیت‌معلم پیشوای ورامین شروع به کار کرد. این تربیت‌معلم در حال حاضر به دانشگاه فرهنگیان تبدیل شده است.

منابع

۱. اکبرزاده، محمود. مرد نخستین. تهران: انتشارات سوره، ۱۳۸۱.
۲. رشیدی، شمس‌الدین. سوانح عمر. تهران: تاریخ ایران، ۱۳۶۲.
۳. صلاحی، محمود. تاریخ مدارس خارج در ایران. تهران: آوای نور، ۱۳۸۲.
۴. صموتی، مینا. خاطرات بابا. تهران: نشر واج، ۱۳۳۸.
۵. فرخ، سیدمحمود. خاطرات فرخ. تهران: جاویدان ملی، ۱۳۴۷.
۶. وزارت معارف. «سالنامه وزارت معارف». تهران، ۱۳۰۴.
۷. وزارت معارف. «سالنامه وزارت معارف». تهران، ۱۳۰۵-۱۳۰۶.
۸. وزارت معارف. «سالنامه وزارت معارف اداره کل نگارش». تهران، ۱۳۱۰-۱۳۱۲.
۹. وزارت معارف. «سالنامه وزارت معارف اداره کل نگارش». تهران، ۱۳۱۴-۱۳۱۲.
۱۰. وزارت معارف. «سالنامه وزارت معارف اداره کل نگارش». تهران، ۱۳۱۶-۱۳۱۵.
۱۱. وزارت معارف. «سالنامه وزارت معارف اداره کل نگارش». تهران، ۱۳۱۷-۱۳۱۲.
۱۲. محبوبی اردکانی، حسین. تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۴.
۱۳. وزیری، سعید. از شازده تا حاجی. تهران: انتشارات کوشش پاینده، ۱۳۹۱.
۱۴. — تاریخ مدارس دختران. تهران: انتشارات کوشش پاینده، ۱۳۹۳.
۱۵. وزیران علوم و معارف و فرهنگ ایران. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۵.
۱۶. یغمایی، اقبال. مدرسه دارالفنون. تهران: انتشارات سروا، ۱۳۷۶.

پی‌نوشت‌ها

۱. اسماعیل مرآت از دانش‌آموزانی بود که برای تحصیل به اروپا رفته بودند و در رشته تعلیم و تربیت درس خوانده بود. خود ایشان سال‌ها دبیر فیزیک بودند. و از سال ۱۳۱۷ تا ۱۳۲۰ وزیر فرهنگ بودند.
۲. برگرفته از کتاب آشنایی با مدارس دختران
۳. این مطلب در کتاب حماسه کویر آمده است اکنون نه دکتر باستانی پاریزی در قید حیات است نه دکتر خیام پور و نه دکتر گنجی که همگی از دانشجویان دارالمعلمین عالی بوده‌اند. / نگارنده
۴. در سال ۱۳۱۷ نام وزارت معارف به وزارت فرهنگ تغییر یافت.
۵. در فرهنگستان این نام به بازرسی نیز یافت
۶. نخستین کار دکتر حسایی پس از وزیر شدن مسافرت به شهرستان‌ها بود وی برای توسعه آموزش و ترویج سواد کل کشور به شهرستان‌ها و به میان مردم عشایری مسافرت کرد. دکتر حسایی اعتقاد داشت که کودک عشایری حق درس خواندن دارد، باید باسواد شود. او قبول نداشت که وزیر در تهران بنشیند و از وضع شهرستان‌ها به‌وسیله می‌گویندها روی گرداند او اولین سفر خود را به منطقه کهگیلویه و بویراحمد آغاز کرد منطقه‌ای که باید آن را از دوره‌افتاده‌ترین مناطق عشایری دانست اما برای رفتن چگونه می‌رفت راه ماشین‌رو به روستاهای آنجا نبود. دکتر حسایی تمام افراد باسواد را شناسایی کرد و با خط خودش همه آن‌ها را به استخدام فرهنگ درآورد. بودجه‌ای هم برای ساخت مدارس و پرداخت حقوق ماهیانه معلمان تعیین کرد (ص ۵۷ مرد نخستین). به‌این ترتیب نخستین مدارس عشایری کشور به‌دست آمده وی آغاز به کار کرد.